

## محمد محمدی (گرگانی)

# خاطرات و تأملات

---

## در زندان شاه



## فهرست

|     |   |
|-----|---|
| ۹   | مقدمه   |
| ۱۴  | و اما قبل!  |
| ۱۹  | فصل اول: تولد و زندگی با پدر بزرگ.                              |
| ۴۷  | فصل دوم: دانشگاه  |
| ۸۳  | فصل سوم: عصر تغییرات بزرگ (ورود به مشی مسلحانه) و ...           |
| ۱۰۹ | فصل چهارم: منابع فکری   |
| ۱۵۷ | فصل پنجم: امتحان کوچک؛ ماراتن بازجویی و شکنجه                   |
| ۱۸۵ | فصل ششم: روزنه‌های امتحان بزرگ و مهم‌ترین تحول زندگی ...        |
| ۲۰۵ | فصل هفتم: آغاز امتحان بزرگ.                                     |
| ۲۴۱ | فصل هشتم: بروز بیشترین اختلاف‌ها                                |
| ۲۶۹ | فصل نهم: دو ضربه سنگین؛ ترور برخی رهبران در زندان و ...         |
| ۲۹۳ | فصل دهم: فتوای نجاست  |
| ۳۲۱ | فصل یازدهم: راه گفت‌وگو و همانندی‌شی برای یافتن راه حل          |
| ۳۴۷ | فصلدوازدهم: انتقال از زندان مذهبی‌های غیرمجاهد به زندان مجاهدین |
| ۳۹۵ | فصل سیزدهم: ورود به بند دو، نقد سازمان و جبهه‌بندی‌های جدید     |
| ۴۰۱ | فصل چهاردهم: بایکوت معتقدین                                     |
| ۴۸۳ | فصل پانزدهم: شکوه رهایی   |
| ۵۱۵ | پیوست ۱: سلسله‌مراتب سازمان                                     |
| ۵۲۹ | پیوست ۲: نقد و بررسی اندیشه‌های سازمان مجاهدین خلق ایران        |
| ۵۶۳ | پیوست ۳: نامه‌هایی از زندان                                     |
| ۵۷۹ | عکس‌ها و اسناد  |

مقدمہ

معتقدم عمل سیاسی و اجتماعی، به اصطلاح «استراتژی» یا خط مشی، بسیار پیچیده است. در بسیاری موارد، آنچه در پس ذهن فرد می‌گذرد گفته نمی‌شود و یا در مواردی قابل گفتن نیست. افرادی در اعماق ذهن خود، محاسباتی دارند. گاه زمانه چنان است که قادر نیستند چیزی بگویند، لذا دردمدانه و هشیارانه و یا فرصت طلبانه، مهر سکوت بر لب می‌گذارند، اما در گوش و کنار بعضی خاطره‌ها، مسائلی مطرح می‌شود که می‌تواند در مواردی، ریشه و مبنای بعضی «مواضع» را روشن کند و تجربه‌های گرانقیمتی را به نسل‌های بعدی انتقال دهد. اما چند نکته مهم در مقدمه:

گران قیمتی را به نسل های بعدی انتقال دهد. اما چند نکته مهم در مقدمه: اول؛ هر کس در زندگی تجربه و آگاهی هایی پیدا می کند، به ویژه کسانی که به هر دلیلی، عمل اجتماعی و عمومی دارند، مثلاً وزیر و وکیل شده اند، یا در مسائل اجتماعی به هر نحو ممکن، نقش اجتماعی دارند؛ چه خوب است آن را در اختیار عموم بگذارند. از این زاویه خاطره امری شخصی نیست، انتقال تجربه و تاریخ و یک مسئولیت اجتماعی است. مسلمان کسی که به هر صورت، نقشی در جامعه داشته و درباره مسائل عمومی مردم، تصمیم گرفته است، بیشتر ضرورت دارد مسائل را بازگو کند. فراوان دیده ام افرادی خاطرات خود را نوشته، و گفته اند که مثلاً محمد محمدی ابتدای انقلاب